پیام پنج

مرحله پنجم غزل غزل‌ها –
شریک شدن در کار خداوند

خواندن کتاب مقدس: غزل غزل‌ها ۷: ۱-۵، ۱۱-۱۲

۱. سلیمان، صاحب تاکستان‌های بسیار است (غزل غزل‌ها ۷: ۱۲) که زحمت بسیاری لازم دارند؛ در این نقطه، شولمیت باید در کار خداوند شریک شود تا همکار خداوند گردد؛ چه امتیاز و جلالی که انسان‌ها می‌توانند با خدا کار کنند تا همکاران خدا باشند (۱ قرنتیان ۳: ۹؛ ۲ قرنتیان ۶: ۱آ)!

۲. ما برای شریک شدن در کار خداوند باید واجدشرایط باشیم و این به مجهز بودن ما به تمام صفات حیات الهیِ که در فضایل انسانی ابراز می‌شوند، بستگی دارد؛ روح، فضایل آن عاشق را که نشانه‌های بلوغ او در حیات الهی هستند مرور می‌کند و او را برای کار کردن با خداوند واجدشرایط می‌سازد – غزل‌غزل‌ها ۷: ۱-۵؛ قس. ۲ قرنتیان ۱: ۱۲؛ ۲: ۱۴-۱۷؛ ۱۱: ۱۰آ؛۱ تسالونیکیان ۲: ۱-۱۲:

آ. کار منحصربه‌فرد خدا این است که خودش را در مسیح به‌درون مردم برگزیده خود کار کند و خودش را با آنها برای بدن مسیح یک کند – غلاطیان ۴: ۱۹؛ افسسیان ۳: ۱۷آ؛ ۴: ۱۶:

۱. ما نمی‌توانیم فراتر از آنچه به‌عنوان یک شخص هستیم خدا را خدمت کنیم – پولس می‌گوید، «لیکن به فیض خدا آنچه هستم، هستم...» – او شخصی بود که از مسیح به‌عنوان فیض، که خداست، برای مسرت ما پر شده و ساختار یافته بود – ۱ قرنتیان ۱۵: ۱۰آ.

۲. درنتیجهٔ این، پولس در ادامه می‌گوید، «و فیض او که بر من بود باطل نگشت، بلکه بیش از همه ایشان مشقت کشیدم، اما نه من بلکه فیض خدا که با من بود» - آ. ۱۰ب.

۳. نه من بلکه فیض خدا، معادل است با، نه من بعداز این بلکه مسیح، در غلاطیان ۲: ۲۰؛ ازاین‌رو، فیضی که در پولس عمل می‌کرد نه موضوعی بود و نه چیزی، بلکه یک شخص زنده بود، مسیح رستاخیزکرده، تجسم خدا پدر که روح حیات‌بخش شامل‌تمام گشت و در رسول به‌عنوان همه‌چیزش ساکن بود.

۴. خدمتگزاری پولس این بود که ثروت‌های مسیح به‌عنوان فیض خدا را برای مسرت مردم برگزیده‌اش به‌درون آنها توزیع کند که منجر به بناسازی کلیسا می‌شود – افسسیان ۳: ۲.

ب. در غزل غزل‌ها از جوینده عاشق خداوند به‌عنوان «دختر مرد شریف» سخن می‌رود (۷: ۱)؛ این حاکی از آن است که عاشق مسیح باید در حیات سلطنتی او به بلوغ برسد تا ازطریق فراوانی فیض و فراوانی هدیه عدالت در حیات سلطنت کند (رومیان ۵: ۱۷).

پ. روح، زیبایی او را در موعظه انجیل مرور می‌کند (پاها در نعلین) – غزل غزل‌ها ۷: ۱؛ رومیان ۱۰: ۱۵:

۱. موعظه انجیل، ما را محافظت می‌کند و ما را از آلوده شدن توسط زمین حفظ می‌کند؛ بخشی از زره خدا برای کلیسا این است که «نعلین استعداد انجیل سلامتی [صلح] را در پا کنید» - افسسیان ۶: ۱۳، ۱۵.

۲. مسیح، بر صلیب برای ما هم با خدا و هم با انسان صلح برقرار کرد و این صلح، انجیل ما گشته است (۲: ۱۳-۱۷)؛ این انجیل صلح به‌عنوان بنیادی محکم نهاده شده است، به‌عنوان نعلین آمادگی‌ای که پاهایمان با آن پوشیده شوند.

۳. ما که این‌چنین به نعلین پوشانده شدیم، جای پای محکمی خواهیم داشت تا برای جنگیدن در نبرد روحانی بایستیم؛ صلح برای چنین بنیاد محکمی، مسیح است – ۶: ۱۴.

ت. خداوند درمورد جوینده عاشقش می‌گوید: «گردن تو مثل برج عاج» است؛ عاج در نمادشناسی نشان‌دهنده حیات رستاخیز است؛ ازاین‌رو، گردن او که نشان‌دهنده اراده اوست پر از حیات رستاخیز است – غزل غزل‌ها ۷: ۴.

ث. سپس خداوند از چشمان او می‌گوید: «چشمانت، مثل برکه‌های حشبون نزد دروازه بیت‌ربّیم» است - آ. ۴:

۱. در غزل غزل‌ها ۱: ۱۵ چشمان او به چشمان کبوترها تشبیه شدند، اما در ۷: ۴ چشمان او به برکه‌ها تشبیه شده‌اند؛ چشمان کبوترها روحانی هستند، اما چشمان همانند برکه‌ها کاملاً به نور گشوده‌اند و وسعت یافته و گسترده شده‌اند تا کلّ عالم را بپوشانند.

۲. این برکه‌ها در کنار دروازه قرار دارند که برای داخل آمدن و بیرون رفتن است و نشان‌دهنده ارتباط مشارکت است، مشارکتی که به دید وسعت‌یافته ما بستگی دارد؛ اینها برکه‌های بازتاب‌دهنده هستند که حاکی از آن است که دید او پر از نور است.

۳. بینش ما باید چنان وسعت یابد که نه‌تنها کار در آنجایی که هستیم را ببینیم و به آن اهمیت دهیم، بلکه به منافع خداوند بر تمامی زمین و در کلّ عالم نیز اهمیت دهیم.

ج. خداوند برای او ارزش والایی قائل است، زیرا او یک «بینی... مثل برج لبنان» دارد – آ. ۴:

۱. بینی مثل برج لبنان، به آن معناست که جوینده عاشق خداوند حس روحانیِ تمییز والا و تیزی دارد؛ فیلیپیان ۱: ۹ نشان می‌دهد که ما نباید دیگران را با نادانی دوست بداریم، بلکه باید آنها را هوشیارانه، با عشقی که سرشار از شناختِ کامل و درکِ حساس است، دوست بداریم.

۲. قوهٔ بوییدن تنها در افراد بالغ یافت می‌شود؛ این حس از سخنان گفته‌شده یا چیزهای قابل رؤیت حاصل نمی‌شود؛ یک توانایی درونی برآمده از دریافت درونی در روح ماست که شخص را قادر به تمایز بین بوهای خوب و بد می‌کند.

۳. این دریافت درونی و روحانی، شخص را قادر می‌سازد چیزهایی را که از خدا هستند بشناسد؛ این توسط دلیل و منطق نیست، بلکه توسط یک احساس خودبه‌خود و دقیق درونی است که شخص را قادر می‌سازد تا امور روحانی را تمیز دهد.

۴. در عین حال، این حس بویایی شخص را قادر می‌سازد بوهای بد را نیز تشخیص دهد؛ بسیاری از تعالیم را نمی‌توان نادرست دانست، و بسیاری از مردم هیچ‌چیزی ندارند که دیگران بتوانند از آن ایراد بگیرند، با این حال حسی داریم که چیزی درست نیست.

۵. شما ممکن است به خدمتگزار خداوند بگویید که همه‌چیز عالی است، اما او بلافاصله حس می‌کند که چیزی نادرست است، چیزی اصیل نیست و چیزی در هماهنگی با خداوند نیست؛ این حفاظ کار خداوند است.

۶. بینی مثل برج لبنان، از بلندی و تیزی آن سخن می‌گوید؛ امروز مسیحیان بسیار زیادی با بینیِ بدشکل یا تخت وجود دارند که نشان‌دهنده کمبود مسیح به‌عنوان توانایی حس کردن در خدمتگزاری ما به خداست و ما را از کهانت سلب صلاحیت می‌کند – غزل غزل‌ها ۷: ۴؛ لاویان ۲۱: ۱۸ (ر.ک. ASV 1901).

۷. سلب صلاحیت از کهانت به‌سبب یک عیب نشان‌دهنده آن است که هرکس که در مسیح کمبود داشته باشد، قادر نیست مسیح را به‌عنوان خوراک به خدا خدمتگزاری کند – آآ. ۱۷-۲۱.

چ. روح، زیبایی او را در افکار و نیت‌هایش (سر) که برای خدا قوی هستند، (کَرمَل – قس. ۱ پادشاهان ۱۸: ۳۹-۱۹) و در تسلیم و اطاعت او برای وقفش (طرّه‌های موی سر او- قس. اعداد ۶: ۵آ) که برای جلال خدا (ارغوان) هستند و محبوبش را که پادشاه است، اسیر می‌کنند (بند)، بررسی می‌کند (غزل غزل‌ها ۷: ۵).

۳. «بیا، ای محبوب من، به صحرا بیرون برویم؛ و در دهات ساکن شویم. و صبح زود به تاکستان‌ها برویم؛ و ببینیم که آیا انگور گل کرده، و گل‌هایش گشوده و انار گل داده باشد؛ در آنجا محبت خود را به تو خواهم داد» - آآ. ۱۱-۱۲:

آ. «در دهات ساکن شویم» - «دهات،» جمع است؛ او کاملاً طبیعت غربت‌گزینی خداوند را برگرفته است، طبیعتی که به یک مکان محدود نیست، بلکه از یک دهکده به دهکده‌ای دیگر می‌رود؛ او از خداوند پیروی می‌کند و در پی گوسفندان گمشده و زخمی است.

ب. عاشق مسیح می‌خواهد کاری را که برای تمامی دنیا (صحراها) است توسط غربت‌گزینی از یک مکان به مکان دیگر (ساکن شدن در دهات) همراه با محبوبش اجرا نماید؛ این حاکی از آن است که او در انجام کار خداوند، فرقه‌گرا نیست؛ او آن کار را گشوده نگه می‌دارد تا دیگران بتوانند بیایند در آنجا غربت گزینند و او بتواند به جای دیگر برود و غربت گزیند؛ این حفظ کردن یک کار در یک بدن است.

پ. «صبح زود» کوشایی او در کار خداوند را نشان می‌دهد؛ کار در صبح زود ضروری است؛ تنبلی، مشخصه حیات خداوند نیست؛ تنها آنانی که حقیقتاً روحانی هستند می‌توانند کوشا باشند؛ تفاوت بین کوشایی و تنبلی در استفاده از زمان نهفته است – افسسیان ۵: ۱۶؛ کولسیان ۴: ۵.

ت. شریک شدن در کار خداوند تنها کار کردن برای خداوند نیست، بلکه کار کردن با خداوند است (۱ قرنتیان ۳: ۹آ؛ ۲ قرنتیان ۶: ۱آ)؛ برای کار کردن با خداوند باید در حیات بالغ باشیم، باید با خداوند یک باشیم و کارمان باید برای بدن او باشد.

ث. شولمیت به‌عنوان همتای سلیمان کار می‌کند، از همه تاکستان‌ها (غزل غزل‌ها ۸: ۱۱)، از کلیساها و ایمانداران روی تمام زمین، مراقبت می‌کند؛ این حاکی از آن است که کار ما باید برای بدن باشد، نه فقط برای یک شهر.

ج. ما باید کاری داشته باشیم که برای تمام دنیا باشد؛ این همان کاری است که پولس توسط برپا کردن کلیساهای محلی انجام داد و سپس تلاش کرد آنها را به‌درون زندگی امتزاجی کل بدن مسیح وارد کند تا بدن مسیح را به‌طور کامل تحقق بخشند – رومیان ۱۶: ۱-۲۷؛ ۱ قرنتیان ۱۲: ۲۴-۲۵آ.

چ. او و محبوبش به نحوی کوشا در کلیساها (تاکستان‌ها) کار می‌کنند تا ایمانداران دیگر جوانه بزنند، شکوفه بزنند و شکوفا شوند؛ عاشق خداوند در میان کار خداوند می‌گوید، «در آنجا محبت خود را به تو خواهم داد» - قس. غزل غزل‌ها ۷: ۱۲.

ح. اگر بخواهیم همراه با آن محبوب کار کنیم، باید عشقمان به او را در مکان کارش ابراز کنیم؛ چقدر این شگفت‌انگیز است! - مرقس ۱۲: ۳۰.

۴. کارهای نخستین کارهایی هستند که از عشق نخستین ناشی می‌شوند و آن را ابراز می‌کنند (مکاشفه ۲: ۴-۵)؛ هنگامی‌که ما از عشق نخستین خداوند پر شویم (آ. ۴) و در همه‌چیز جای نخست را به او بدهیم (کولسیان ۱: ۱۸ب)، هرآنچه انجام می‌دهیم از عشقمان برای او ناشی می‌شود و آن را ابراز می‌کند (یوحنا ۲۱: ۱۵-۱۷؛ افسسیان ۴: ۱۶؛ ۲ قرنتیان ۵: ۱۴-۱۵، ۲۰):

آ. در آغاز کار یک ایماندار، او باید از بطالت کار قبلی و ظاهری خود رهایی یابد – او فقط آنچه را انسان به او محول کرده انجام داده است، نه آنچه را خدا برایش مقرر کرده است - غزل غزل‌ها ۱: ۶ب-۸.

ب. هنگامی‌که یک ایماندار از خود رهایی یابد، قلبش از کار فردگرایانه‌اش به‌سوی کار خداوند آزاد می‌شود و وضعیت هریک از مقدسان و حتی وضعیت نابالغ‌ترین ایماندار مورد علاقه و توجه او قرار می‌گیرد.

پ. اکنون جوینده عاشق خداوند قادر است کار خداوند را به خود خداوند مربوط کند و می‌تواند کارش را ابرازی از عشقش به او سازد.

ت. همه زحمت او «محنت محبت» است (۱ تسالونیکیان ۱: ۳) که از عشق خدا ناشی می‌شود، عشقی که در قلبش ریخته شده است (۱ یوحنا ۴: ۱۹؛ رومیان ۵: ۵).

۵. «ای برادران حبیب من، پایدار و بی‌تشویش شده، پیوسته در عمل خداوند بیفزایید، چون می‌دانید که زحمت شما در خداوند باطل نیست» - ۱ قرنتیان ۱۵: ۵۸:

آ. فقط کارهایی که توسط عشق نخستین ما برای خداوند برانگیخته شده‌اند طلا، نقره و سنگ‌های نفیس هستند – ۳: ۱۲.

ب. زحمت ما در کار خداوند توسط حیات طبیعی و توانایی طبیعی ما نیست، بلکه توسط حیات رستاخیز او با قدرت رستاخیز اوست.

پ. چنین زحمتی به برآورده شدن اقتصاد جاودانی خدا ازطریق موعظه مسیح به گناهکاران، خدمتگزاری حیات به مقدسان و بناسازی کلیسا با تجربه‌های خدای سه‌یکتا به‌عنوان طلا، نقره و سنگ‌های نفیس منجر می‌شود – آ. ۱۲.

© 2026 Living Stream Ministry